

خوابگاه

نسترن انوشا

خوابگاه چمران بالا بردم و تصمیم گرفتم همان‌طور که در آیین ورودی آن سال، رئیس وقت دانشگاه تهران با اعلان عمومی آدرس ایمیل خود از تمامی دانشجویان خواسته بود تا مسائل و مشکلات را در اسرع وقت با وی در میان بگذارند، بحران نقل و انتقال وسایل در خوابگاه را که حتی منجر به بروز آسیب‌های جسمانی در دختران دانشجو می‌شود با ایشان مطرح کنم. طبق وعده ایشان، کمتر از ۲۴ ساعت بعد پاسخ را با این مضمون دریافت نمودم که این نوع برخوردها از سوی مسئولین خوابگاه ناشی از بدسلیقگی آن‌ها بوده، امری دستوری و از بالا نیست و ما به بزرگواری خودمان این اشتباه را ببخشیم! به گونه‌ای که گویی دیگر هرگز این اتفاق تکرار نخواهد شد. حال آنکه من اکنون به عنوان یک دانشجوی سال سوم طی پنج ترم گذشته حتی با یک قانون مشخص برای رفت و آمد اتومبیل برخورد ننمودم و بارها شاهد آن بودم که در ساعاتِ اداری هفته اولِ بازگشایی خوابگاه‌ها اجازه ورود به اتومبیل ندادند و در عوض در ساعاتِ غیراداری اواسط ترم اجازه ورود دادند. با ذکر این مقدمه طولانی، قصد نشان دادن بخشی از

اولین روزی که به عنوان دانشجوی خوابگاهی وارد خوابگاه شدم (پس از طی مراسم و تشریفات اخذ برگه ورود و کلید اتاق) به همراه خانواده با خودروی شخصی بخشی از وسایل ضروری چون رختخواب و ظروف آشپزخانه و مواد غذایی اولیه را به خوابگاه آورده بودیم؛ حوالی ساعت ۸ غروب بود و نگهبانان جلوی درب ورودی از همان ابتدا تأکید کردند به علت گذشتن از ساعت عبور و مرور خودرو به داخل خوابگاه، ماشین حق ورود به محوطه را ندارد. (قوانینی که برای دانشجویان ورودی نانوشتۀ محسوب می‌شود و تنها با گذشت زمان و کسب تجربه می‌توان نسبت به آنها شناخت پیدا کرد) تنها مادرم می‌توانست با ارائه کارت شناسایی در حمل وسایل تا اتاق رزرو شده مرا همراهی نماید. اهالی خوابگاه چمران می‌دانند که دانشجویان ورودی باید در ساختمان ۷۲، در منتهالیه خوابگاه چمران یعنی دورترین و مرتفع‌ترین نقطه نسبت به درب ورودی، مستقر شوند. به این ترتیب من و مادرم با مشقت فراوان و طی چندین باره مسیر موفق به جابجایی وسایل شدیم.

پس از آن با خانواده به شهرمان رفتم و پس از شروع کلاس‌ها، بازگشتم. با چمدانی سنگین از البسه، کتاب و لوازم شخصی؛ اما اینبار در ساعت اداری و با تاکسی سرویس ترمینال، باز هم به دلیل سپری شدن هفته اول سال تحصیلی و استقرار کامل دانشجویان خوابگاهی اجازه ورود صادر نشد؛ با بغضی در گلو و به تنهایی چمدانم را از پله‌ها و پستی و بلندی‌های

کاغذ اخبار



پذیرایی از مهمان ویژه!
به بهانه ی نشست رونمایی از گزارش وضعیت جمعیت جهان سال ۲۰۱۵ با حضور نمایندگان سازمان ملل
سلف اساتید- سه شنبه ۱۷ آذر

دیوار

شماره نوزدهم/ آذر ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
مدیرمسئول: مهدی یار زمزم
سردبیز: صبوراسمنانیان

سفن دبیر

دیروز، امروز، فردا

حسام حسین زاده

در نخستین روزهای آغاز کار سومین دورهٔ شورای صنفی دانشجویان دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پیش و بیش از هرچیز لازم است با مروری بر روزهای گذشتهٔ دانشگاه و مخصوصاً دانشکده، و نگاهی به وضعیت کنونی جنبش دانشجویی در دانشگاه تهران، تلاش کنیم افق‌های پیش رو را روشن‌تر سازیم. در ادامه در قالب سه بخش «دیروز»، «امروز»، و «فردا» تلاش می‌کنیم به این مهم دست یابیم.

دیروز

جنبش دانشجویی در دانشگاه تهران همواره پر فراز و نشیب بوده است. اما بی‌شک حد فاصل سال‌های ۸۴ تا ۹۲ سیاه‌ترین روزهای جنبش دانشجویی در این دانشگاه بوده، کوچک‌ترین فعالیت‌ها به بهانه‌هایی واهی سرکوب می‌شدند و هرکجا که دانشجویان با تلاش خود فرصتی را می‌آفریدند و اندک گشودگی‌ای ایجاد می‌کردند، نهاد قدرت با سرکوب بی‌رحمانهٔ آن‌ها این حرکات را در نطفه خفه می‌کرد. در طول این سال‌ها دانشکدهٔ علوم اجتماعی بواسطهٔ تعهدی که به جامعه‌اش داشت همواره نوک پیکان این دست حرکات بوده است، نگاهی گذرا به سهم دانشجویان علوم اجتماعی از احکام انضباطی دانشگاه تهران در طول این سال‌ها گواهی روشن بر تلاش راستین دانشجویان علوم اجتماعی برای روشن نگاه داشتن آخرین شمع در تاریکی هولناک این دانشگاه است.

پس از پایان کار دولت‌های نهم و دهم که مقارن بود با آغاز سال تحصیلی ۹۲-۹۳ امیدهای تازه‌ای در دانشگاه و در قلب دانشجویان شکل گرفت، امید به گشودگی فضا و ایجاد فرصت‌های متعدد برای احیای جنبش دانشجویی در این دانشگاهی که ضعیف‌تر از هر زمان دیگری بود و نفس‌هایش به شماره افتاده بود. اما پیش از فعال‌کردن دوبارهٔ دانشگاه، دانشجویان با چالشی دیگر روبرو بودند و آن فعال‌ساخن دانشجویانی بود که در طول سالیان گذشته آموخته بودند نه‌تنها نسبت به جامعه و دانشگاه‌شان بلکه نسبت به زیست روزمرهٔ

نشریه‌ی ویرگول پس از گذشت بیش از یکسال از انتشار اولین شماره‌ی آن، تبدیل به نامی آشنا برای اهالی دانشکده‌ی علوم اجتماعی شده است. مروری کوتاه بر فراز و نشیب‌های این نشریه تا به امروز، تصویر روشنی از سرگذشت این هفته‌نامه به دست می‌دهد و چراغ راهی می‌شود برای ترسیم چشم‌انداز آینده آن.

پس از چندین سال فقدان شورای صنفی به علت سرکوب‌های فضای سابق دانشگاه، گروهی از دانشجویان دغدغه‌مند به بازگشایی این شورا همت گماردند و هفته‌نامه‌ای با نام «ویرگول»، مجالی برای طرح مطالبات صنفی دانشجویان شد. اولین شماره‌ی ویرگول به سردبیری «آرمیتا رضانی» همزمان با این روی کارآمدن مجدد شورای صنفی دانشکده در مهرماه ۱۳۹۳، به چاپ رسید. ویرگول خود را متعهد به انعکاس منصفانه‌ی وقایع دانشکده، نقد سازنده‌ی عملکرد مسئولان و طرح شفاف مطالبات دانشجویان می‌دانست. طولی نکشید که این نشریه، تبدیل به یکی از پرمخاطب‌ترین نشریات دانشجویی در میان دانشجویان و اساتید دانشکده در سال تحصیل ۹۴-۹۳ شد.

در طول یک سال گذشته و تا اتمام دوره‌ی فعالیت اولین گروه شورای صنفی، ۱۳ شماره و یک ویژه‌نامه با توالی انتشار مرتب (هر یکشنبه) به چاپ رسید. جا دارد مروری داشته باشیم بر تعدادی از موضوعاتی که در ۱۴ شماره‌ی نشریه‌ی ویرگول به قلم دانشجویان یا با مصاحبه با مسئولان به آن‌ها پرداخته شده بود: حوزه‌ی عمومی، بازگشایی کانون‌ها، سیستم گلستان، رابطه‌ی استاد- دانشجو، اتاق نشریات، هزینه‌های نشریات و تشکل‌ها، پولی شدن آموزش، نقائص رفاهی دانشکده، نقد گروه‌های آموزشی، میانجی‌های دانشجویی، مشکلات کتابخانه، شفافیت مالی و...

با از نظر گذراندن اهم موضوعاتی که ویرگول در طی این شماره‌ها به آنها پرداخته بود، این نکته آشکار می‌شود که نشریه‌ی شورای صنفی به واقع دغدغه‌ی مطالبات دانشجویان را در سر داشت و در این راه، پشتیبان و همراه دانشجویان، و یاری‌گر هیئت رئیسه جهت آگاهی از خواسته‌های صنف دانشجو بود. سیزدهمین شماره ی ویرگول در اردیبهشت ۹۴

مستقل در محیط دانشکده بود. کم‌کم یاد گرفتیم نیازی نیست برای صحبت‌کردن باهم و گمده‌گرفتن در حیات مجوزی داشته باشیم. در کنار این فعالیت‌هایی که شورای صنفی در حال انجام آن بود، جمع‌های دیگر دانشجویی نیز به‌طور مستقل اقدام به فعالیت‌هایی مانند جلسات شعرخوانی و مقاله‌خوانی به‌طور خودجوش و در حوزهٔ عمومی کردند.

اما اواسط آذر ماه سال ۹۳ نارضایتی دانشجویان از وضعیت گروه‌های آموزشی منجر به این شد که شورای صنفی و انجمن‌های علمی در اقدامی مشترک درخواست مجوز نشستی برای نقد گروه‌های آموزشی با حضور مدیران گروه‌ها را بدهند. حدود یک ماه پیش از این نشست، نمایندگان انجمن‌های علمی و شورای صنفی جلسات منظمی را با یکدیگر داشتند تا برای اجرای هرچه بهتر آن برنامه‌ریزی کنند. اما در نهایت یک روز پیش از برگزاری نشست مشخص شد که تعدادی از مدیران گروه در این جلسه حضور نخواهند یافت و صبح روز بعد نیز با تصمیم جمعی دانشجویان در اعتراض به این اتفاق، نشست لغو شد. از صبح همان روز نارضایتی دانشجویان بیشتر و بیشتر می‌شد تا اینکه نهایتاً حوالی ظهر دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به عدم حضور برخی از مدیران گروه ابتدا جلوی سلف اساتید تجمع کردند و در ادامه در لابی اصلی دانشکده تحصن کردند و شعار دادند. این اتفاق منجر به تشکیل جلسه‌ای فوری در تالار مطهری با حضور هیئت رئیسهٔ دانشکده شد که در آن دانشجویان به بیان مطالبات خود پرداختند و در نهایت پیگیری‌ها منجر به جلسهٔ عمومی نقد گروه‌های آموزشی در ۲۳ آذر ۹۳ در تالار ابن‌خلدون شد که در طول سالیان گذشته بی‌سابقه بود.

این اعتراضات و حواشی آن که همراه بود با نخستین جلسات هم‌اندیشی دانشجویان در بوفه و حیاط دانشکده منجر به شکل‌گیری دوبارهٔ حوزهٔ عمومی شد. همهٔ کسانی که در آن روزها در آن جمع‌ها حضور داشتند حتماً به یاد دارند که ابتدای امر چقدر گفت‌وگو کردن برای ما دانشجویان سخت بود و چقدر در تجمیع مطالبات‌مان و تأکید بر نقاط مشترک‌مان بی‌تجربه بودیم، اما رفته‌رفته همهٔ آن مشکلات حل شد و همهٔ ما دانشجویان در کنار یکدیگر چیزهای جدیدی آموختیم. همین حوزهٔ عمومی بود که در طول سال تحصیلی گذشته جنبش دانشجویی را در دانشکدهٔ علوم اجتماعی هدایت کرد و به پیگیری مطالبات صنفی خود پرداخت و در کنار مسئلهٔ اعتراض به وضعیت آموزشی، خواستار شفافیت مالی دانشکده نیز شد، که البته به مورد دوم در سال گذشته صرفاً در قالب نشریات پرداخته شد. روزهای پایانی سال تحصیلی گذشته نیز با اتفاقاتی چون برگزاری انتخابات دورهٔ دوم شورای صنفی دانشکده و ورود ۷ تن از دانشجویان به شورای مرکزی این شورا، سانسور نمایشگاه عکس‌های کاوه گلستان و توقیف نشریهٔ انجمن علمی انسان‌شناسی – ندا – همراه بود.

هرچند که تلاش‌های سال گذشته همراه با اشتباهاتی از سوی افراد و گروه‌های مختلف دانشجویی بود اما باید همهٔ آن اتفاقات را به فال نیک بگیریم. اشتباهات بواسطهٔ کم‌تجربگی غالب دانشجویان در حرکات صنفی ناگزیر و طبیعی بود، و امروز بعد از گذشت قریب یک سال از آن روزها، دانشجویانی که در آن مسائل با هم اختلاف نظر داشتند با درس‌گرفتن از اتفاقات گذشته دوباره کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا از صنف دانشجو دفاع کنند.

امروز

با شروع سال تحصیلی ۹۴–۹۵ دانشجویان دانشکده پیگیری مطالبات صنفی خود را از سر گرفتند. دانشگاه نیز حال و هوای متفاوتی دارد، مطالبات صنفی در دانشکده‌های دیگر دانشگاه تهران و نیز خوابگاه‌های دانشجویی با جدیت بسیار بیشتری دنبال می‌شوند. از ابتدای سال دانشجویان با جدیت تمام پیگیر مطالبات‌شان درباب شفافیت مالی دانشکده و تعیین محل هزینه‌های دانشکده و خواستار حضور نمایندهٔ دانشجویان در فرایند تصمیم‌گیری برای نحوهٔ هزینهٔ بودجه‌های مربوط به دانشجویان بودند. شورای صنفی با همکاری انجمن‌های علمی درخواست مجوز برگزاری نشستی پیرو همین موضوع را کرد، اما متأسفانه این مجوز با کارشکنی‌های متعدد مسئولان روبرو شد و نهایتاً روزهای نخستین آبان ماه بود که هیئت رئیسه اعطای مجوز این برنامه را مشروط به شرایطی کرد که موردتایید دانشجویان نبود و دانشجویان در اقدامی خودجوش روز پنجم آبان ماه با تحصن در حوزهٔ ریاست خواستار جلسه با ریاست دانشکده، دکتر نوربخش شدند و در نهایت پس از پافشاری بر مطالبات خود موفق شدند در همان روز با ایشان دیدار کنند و بخشی از مطالبات خود را مطرح سازند و در ادامه قول جلسات دوشنبهٔ آخر هر ماه را از هئیت رئیسه بگیرند تا در آن جلسه به مسائل دانشجویان پرداخته شود و پس از آن تاریخ نشست دوشنبهٔ آخر آبان ماه برگزار شد و حالا همهٔ ما منتظر دوشنبهٔ آخر آذر ماه هستیم.

با نزدیک‌شدن به روز دانشجو و متاثر از وقایعی که در دانشکده، دانشگاه و جامعه در جریان بود، جنبش دانشجویی در طول هفته‌های گذشته بار دیگر فعالانه به دنبال پیگیری مطالبات خود بود. اعتراضات صنفی کوی دانشگاه در طول هفته‌های گذشته که کم و بیش به خوابگاه‌های سطح شهر هم کشیده شد، و با تحریم شام در یکی از خوابگاه‌های سطح شهر و اقداماتی از این دست همراه بود، به‌علاوهٔ اعتراضات صنفی دانشجویان دانشکدهٔ علوم اجتماعی به عدم امنیت پژوهشگران اجتماعی مستقل و اعتراضاتی که در دانشکده‌های علوم و فنون، و کارآفرینی در جریان بود منجر به لحظه‌ای تاریخی در ۱۶ آذر دانشگاه تهران شد. ۱۶ آذر دانشگاه تهران پس از ۶ سال شاهد تجمع مستقل قریب ۱۰۰۰ دانشجو بود برای پیگیری مطالبات صنفی خود و در اعتراض به فضای نگران‌کننده‌ای که بر دانشگاه حاکم است.

هرچند که اتفاقات اخیر مانند سالیان گذشته با

فشار و سرکوب فعالان دانشجویی و صنفی همراه بوده است، اما حوزهٔ عمومی دانشگاه تهران فعال‌تر و جدی‌تر از هر زمان دیگری پیگیر مطالبات صنفی خود است و این فرصتی مناسب برای دانشجویان و نهادهای برخاسته از آنان از جمله انجمن‌های علمی و در رأس‌شان شوراهای صنفی برای یاری رساندن به این دانشجویان مستقل است که فارغ از سیاست‌بازی و… به دنبال حقوق ابتدایی و البته قانونی خود هستند. در کنار این اتفاقات، اواسط آذرماه نیز شاهد انتخابات دورهٔ سوم شورای صنفی دانشجویان دانشکدهٔ علوم اجتماعی بودیم. با توجه به بالقوگی‌های موجود در دانشکده و دانشگاه امیدواریم در روزهای پیش رو بتوانیم در کنار سایر دانشجویان گام‌هایی مؤثر در جهت احقاق حقوق دانشجویان دانشکده و دانشگاه برداریم.

فردا

همهٔ آنچه تا کنون گفته شد مقدمه‌ای بود البته طولانی برای اینکه دربارهٔ روزهای پیش‌رو سخن بگوییم. برای روشن‌تر ساختن آینده باید نسبت خود را با چهار عاملی که در فضای دانشگاه مؤثر هستند مشخص سازیم: شورای صنفی به عنوان نهادی میانجی، دانشجویان، مسئولین، و سایر تشکل‌های دانشجویی.

شوراهای صنفی پس از سال ۹۱ با تحدید عجیب توانایی‌ها و مسئولیت‌هایشان در آیین‌نامهٔ جدید این شورا (http://goo.gl/FKJwA8) روبرو شدند که مطالعهٔ آن را به همهٔ دانشجویان پیشنهاد می‌کنم، تا به عینه ببینید تضعیف و سرکوب یک نهاد دانشجویی چه معنایی دارد. اما به هر حال در وضعیت کنونی شورای صنفی به عنوان نهادی میانجی دانشجویان و مسئولین که برخاسته از رأی مستقیم همهٔ دانشجویان – بدون هیچ محدودیتی برای رأی‌دهندگان – است، هرچند که دیگر تقریباً پشتوانهٔ خاصی در آیین‌نامه ندارد، اما همچون گذشته پشتوانه‌اش بدنهٔ دانشجویی است و بواسطهٔ کم و کیف این پشتیبانی تمام تلاش خود را می‌کند تا مطالبات دانشجویان را به گوش مسئولان برساند و برای تحقق آن‌ها در حد توان خود پیگیری کند. اینکه دست شورای صنفی تا کجا برای پیگیری مطالبات دانشجویان باز خواهد بود، کاملاً وابسته به گشودگی‌هایی است که خود دانشجویان برای ایجاد آن گام برمی‌دارند، در شرایط کنونی این بدنهٔ دانشجویی است که باید با ایستادن در کنار شورای صنفی توان آن را برای ورود به مسائل مختلف تقویت کند.

در نسبت با دانشجویان، شورا عرفاً و قانوناً خود را نمایندهٔ دانشجویان می‌داند و موظف به پیگیری مطالبات همهٔ دانشجویان، البته طبیعی است که هرجا مطالبات بدنهٔ دانشجویی در تضاد با یکدیگر قرار بگیرد، هرچند که همهٔ تلاش خود را می‌کنیم تا به اجماع برسیم، اما در نهایت در عین احترام به نظر اقلیت، آنچه باید در پی عملی ساختنش باشیم مطالبهٔ اکثریت است. از دانشجویان انتظار می‌رود با اطلاع از وضعیت کنونی و اقتضائات آن، از خلاءهای قانونی تا

بر همگان واضح است که دامنه‌ی وظایفی که شورای صنفی بر عهده دارد گسترده است. از پیگیری کیفیت غذای سلف گرفته تا انجام هماهنگی میان انجمن‌های علمی، همگی، در وظایف شورای صنفی جای می‌گیرند. از طرفی دیگر، مشغول به کار شدن صرفاً هفت نفر گاهی پاسخگوی این حجم وسیع از مسائل بدون کمک دانشجویان دیگر نیست. به همین دلیل، جهت رسیدگی بهتر به این وظایف، اعضای جدید شورای صنفی بعد از گفتگوهای اولیه به این نتیجه رسیدند که فعالیت خود را در قالب تشکیل چند کارگروه حول مسائل دانشکده دنبال کنند.

یکی از اعضای شورای صنفی عضو هر یک از این کارگروه‌ها خواهد بود. در ضمن، دانشجویانی که در فضای دانشگاه مؤثر هستند باشند به اعضای شورا در این کارگروه‌ها می‌پیوندند. در نهایت، در هر کارگروه با هم‌اندیشی و برنامه‌ریزی، اعضا به راهکارهایی کاربردی برای رسیدگی به مسائل خواهند رسید. هدف اصلی ایجاد کارگروه‌ها رسیدگی به حداکثر مسائل دانشکده با حضور دانشجویان و درگیر شدن هرچه بیشتر آن‌ها در فرایند رسیدگی به همین مسائل است.

تشکیل چنین کارگروه‌هایی برای رسیدگی به مسائل دانشکده دلایل بسیاری داشت. از مهم‌ترین این دلایل می‌توان به این اشاره کرد که عموماً در شورا و تشکل‌های دانشجویی تقسیم‌کار درستی شکل نمی‌گیرد یا شاید این تقسیم کار نمود بیرونی ندارد و در نتیجه دانشجویان فکر می‌کنند در تشکل‌های دانشجویی تنها با یک یا دو نفر سروکار دارند و تعدادی از افراد اصلاً فعالیت نمی‌کنند. اما تشکیل کارگروه‌ها امکان شکل‌گیری تقسیم کاری مشخص را به شورا می‌دهد. از طرفی دیگر، این امکان را به دانشجویان می‌دهد که خواسته‌های خود را بهتر پیگیری کنند.

در نهایت این امر این مزیت را نیز دارد که شورا را ملزم می‌سازد در عین پیگیری درخواست‌های طولانی‌مدت بدنه‌ی دانشجویی مثل حمایت از کانون‌ها، به مشکلاتی که به تمامی بدنه‌ی دانشجویی مرتبط نیست و درخواست‌های گروهی از دانشجویان است (مانند دانشجویان خوابگاهی) هم بپردازد.

کارگروه بهداشت: این کارگروه مسئولیت

معرفی کارگروه های شورای صنفی

سرور بهروش

پیگیری نظافت و نظم فضاهای مختلف دانشکده از قبیل محوطه، راهروها، کلاس‌ها، بوفه، سلف، سرویس های بهداشتی و… را بر عهده دارد. همچنین سعی دارد تا از راه‌های قانونی بر فرآیند طبخ و تهیه‌ی غذا نظارت داشته باشد. نماینده‌ی شورای صنفی در این کارگروه مهدی یار زمزم است.

کارگروه امور دانشجویان خوابگاهی: آن چه مد

نظر این کارگروه است پربولملتیزه شدن مشکلات زندگی خوابگاهی است. در آینده، این کارگروه با شورای صنفی خوابگاه و فعالین صنفی خوابگاهی همکاری خواهد داشت. برای شنیده شدن صدای دانشجویان خوابگاهی، همفکری برای حل مشکلات آنها، انعکاس اخبار و طرح بحث در نشریات دانشجویی جلسات متعددی برگزار می‌شود تا بتوان از خلال همین جلسات خواسته‌های دانشجویان خوابگاهی را پیگیری کرد. نسترن انوشا به عنوان نماینده‌ی شورا در این کارگروه فعالیت خواهد داشت.

کارگروه تاسیسات دانشکده: رسیدگی

به مشکلات مربوط به سیستم گرمایشی و سرمایشی دانشکده، نیمکت‌های دانشکده، ویدئو پروژکتورها، شیرآلات و درها و مشکلات مربوط به امکانات کلاس‌ها از جمله وظایف این کارگروه است که مهسا عبدالملکی مسئولیت این کارگروه را بر عهده دارد.

کارگروه فرهنگی: این کارگروه مسئول رسیدگی

به مسائل و مشکلات فرهنگی دانشکده است. اصلی‌ترین محورهای فعالیت این کارگروه عبارتند از تلاش برای احیای کانون‌های فرهنگی در دانشکده و رایزنی برای رفع مشکلات کانون‌های فرهنگی فعال در سطح دانشکده، تلاش جهت هماهنگی نشریات دانشکده و پیگیری مطالبات نشریات و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای فعالیت بیشتر نشریات دانشجویی، تلاش برای پیشبرد پروژهٔ «خانه‌ی

معرفی کارگروه های شورای صنفی

نشریات» که در دو سال گذشته پیگیری‌های آن توسط جمع‌های مختلف دانشجویی انجام شده اما تا امروز بنا به دلایلی به نتیجه نرسیده است. حسام حسین‌زاده، دبیر شورای صنفی، سرپرستی این کارگروه را بر عهده دارد.

کارگروه آموزشی: در وهله نخست دغدغه این کارگروه این خواهد بود که شرایطی فراهم آورده شود تا مطالبات پیشین صنفی–آموزشی، که مدت زمانی است فراموش شده اند، مجدداً احیا شده و به مسیر اجرا درآیند. هم چنین این کارگروه بر آن است که با ایجاد هماهنگی میان تشکل های علمی دانشکده با هر سویه علمی و رویه‌ای، در عوض تعارض و یا بی ثباتی، گامی مشترک برای نیل به اهداف والای آموزشی برداشته تا به عملکرد آموزشی مطلوب‌تری برسیم. پدرام پذیره مسئولیت این کارگروه را بر عهده گرفته است.

کارگروه رسیدگی به امور سایت و کتابخانه: به

دلیل مسائل بسیاری که باید از سوی شورا پیگیری شوند، کتابخانه و سایت در یک کارگروه گنجانده شده‌اند. از اصلی‌ترین مسائل مورد پیگیری در این کارگروه می‌توان به سرعت اینترنت در دانشکده اشاره کرد که نسبت به سرعت اینترنت دانشکده‌های دیگر، پایین‌تر است. در بخش کتابخانه، این کارگروه رسیدگی به وضعیت نور و نظافت کتابخانه تا پربارتر کردن مخزن کتابخانه را در برنامه‌ی خود گنجانده است. سرور بهروش نماینده‌ی شورای صنفی در این کارگروه است.

در نهایت لازم به ذکر است که همان طور که در بخش معرفی وظایف کارگروه‌ها مشهود است، هر کارگروه وظایف گسترده‌ای بر عهده دارد که به ثمر رساندن آن‌ها به تنهایی از عهده‌ی یک نفر خارج است. بنابراین، از تمامی دانشجویانی که ایده یا دغدغه‌ی خاصی مرتبط با هر کدام از کارگروه‌ها دارند، تقاضا داریم نسبت به در میان گذاشتن ایده‌های خود جدیت به خرج دهند و به کارگروه‌های مربوط بپیوندند تا آن‌ها بتوانند به مسائل دانشجویان و دانشکده به بهترین شکل رسیدگی کنند.

در اثبات بیداری

گزارش تجمع های دانشجویی در اعتراض به ضرب و شتم سعید مدنی

تنظیم گزارش: هدی محمدی

یکی از دانشجویان از دکتر تقی آزادارمکی تقاضا کرد به جمع دانشجویان بیاید و نظر و دیدگاهش را درباره این واقع بیان کند؛ دکتر آزادارمکی در صحبت های خود به بحث پژوهش در علوم اجتماعی پرداخت و گفت : «پژوهش‌های علوم اجتماعی حادثه‌ساز هستند و به همین دلیل به آن‌ها این همه نقد وارد است، ما به جای این که برخورد با آن‌ها را -سعید مدنی و سعید رضوی- نقد کنیم، پژوهش‌ها را زیر سوال می‌بریم؛ پژوهش‌ها در بدترین وضعیت نیز همواره ساحت انتقادی دارند،جامعه شناس حتی با رویکرد محافظه‌کارانه‌اش -که خیلی بهتر از رادیکال بودن است- ساحت جامعه را افشاگری می‌کند.» وی در ادامه افزود که ما به جای نقد پژوهش‌ها باید از آن‌ها دفاع کنیم. آزادارمکی همچنین علت ماندن در علوم اجتماعی را حفظ همین فضا - تعریف امر اجتماعی، بیان مشکلات و علت آن‌ها- دانست. وی در ادامه تأکید کرد که باید از پژوهش اجتماعی و پژوهشگر اجتماعی دفاع کرد.

یکی از دانشجویان با طرح مثالی از پژوهش توسعه روستایی توضیح داد چطور بالادستی‌های یک پژوهشگر اجتماعی حرف حقی که به ضررشان باشد نمی‌پذیرند و به پژوهشگری دیگر درخواست این تحقیق را -البته با تعیین نتیجه‌ی دلخواه خودشان- می‌دهند و به مرادشان هم می‌رسند، و استدلال کرد

بیانیه ی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در اعتراض به حبس و ضرب و شتم «سعید مدنی»

باسمه تعالی

نمایندگان مجلس و اعضای هیئت دولت!

همانطور که در متن پیوست آمده، با مضروب‌شدن آقای سعید مدنی در زندان، دور جدیدی از سرکوب پژوهشگران علوم اجتماعی آغاز شده است. این اتفاق امر غریبی نیست. در سال‌های گذشته هر جا که پژوهش‌های اجتماعی به سمت بیان حقیقت رفته‌اند با ارباب و تهدید از پژوهشگران تقدیر به عمل آمده است. در شرایطی که علوم اجتماعی و تحقیقات صورت‌گرفته در آن مبنای بسیاری از تصمیم‌ها و قانونگذاری‌های شماست، تداوم این اوضاع به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست. زیرا تلویحا این معنا را می‌رساند که علوم‌اجتماعی فقط در صورت دروغ‌گویی مورد قبول اصحاب قدرت قرار می‌گیرد و در صورت حقیقت‌گویی زیر ضرب خواهد رفت. تنها معنای سکوت شما در برابر این قضایا این است که تصمیم‌سازی‌ها ربطی به حقیقت امور و شرایط اجتماعی کشور عزیزمان ندارد. ازاین‌رو، ما شما را موظف می‌دانیم که با تمام ابزارهای قانونی ممکن، از سرکوب و زیر ضرب رفتن پژوهشگران حقیقت‌جو جلوگیری کنید.

اساتید و پژوهشگران محترم علوم اجتماعی!

در چنین وضعیتی، کوچک‌ترین توقعی که می‌توان از شما داشت این است که در واکنش به حبس و ضرب‌وشتم یکی از شریف‌ترین و متعهدترین همکاران خود، دست به تحریم پروژه‌های پژوهشی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی بزنید تا بلکه بدنهٔ مجلس و دولت به عنوان کارفرمایان علوم اجتماعی به وظایف خود عمل کنند. شکی نیست وقتی پژوهشگران متعددی چون سعید مدنی، برای بیان نتایج تحقیقات علمی خود، از سوی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی امنیت ندارند، انجام پژوهش برای این نهادها، زیرپا گذاشتن استقلال علوم اجتماعی و تن‌دادن به تضعیف روزافزون آن است.

امثال سعید مدنی و یاشار دارالشفا – دانش‌آموختهٔ رشتهٔ برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی و زندانی بند ۳۵۰ اوین – الگوی پژوهشگری انتقادی و متعهد در مسائل اجتماعی هستند. سکوت در برابر دستگیری و ضرب‌وشتم چنین چهره‌هایی در زندان، مجال‌دادن به فضای ناامنی است که بر علوم اجتماعی مستقل چنبره زده است؛ فضای که یا روزی گریبان همهٔ ما را می‌گیرد، یا از ما پژوهشگرانی خنثی، بی‌دغدغه و بی‌تعهد به حقیقت می‌سازد. اگر بتوان شرایطی امن و آزاد برای دانشجویان امروز و پژوهشگران فردای علوم اجتماعی تصور کرد، این شرایط محقق نمی‌شود مگر از خلال کنش جمعی علیه برخوردهای امنیتی با علوم اجتماعی. ما امضاکنندگان این بیانیه، حملهٔ اخیر را نه‌تنها به عنوان ضرب‌وشتم زندانیانی «بی‌گناه» محکوم می‌کنیم، بلکه فراتر از آن، آن را هجوم به کیان علوم اجتماعی مستقل، متعهد و انتقادی نیز می‌دانیم. ازاین‌رو، پیش از هر چیز از اساتید و پژوهشگران علوم اجتماعی می‌خواهیم با تعلیق پروژه‌های در دست اقدام و امتناع از پذیرش پروژه‌های جدید، واکنشی درخرو به این فاجعه نشان دهند و توجه مسئولین ذی‌ربط را به دشواری‌هایی که همواره سر راه پژوهشگران مستقل و حقیقت‌جو است، جلب کنند.

— این بیانیه به امضای ۲۰۰ دانشجوی علوم اجتماعی رسید —



درباره

ادامه از صفحه ی دوم

انتظاری معقول و مبتنی بر خرد جمعی باشد. به نظر لازم است دوباره بر این نکته تأکید شود که پشتوانهٔ شورا بدنهٔ دانشجویان است و تا جایی می‌تواند پیش رود که این بدنه همراه آن باشد و بتواند خود را بر مطالبات مشخصی متمرکز سازد و بر تحقق آن‌ها پافشاری کند. در نسبت با مسئولین، همهٔ تلاش ما تعامل سازنده با مسئولین دانشکده و دانشگاه در راستای تأمین نیازها و پیگیری مطالبات دانشجویان خواهد بود. تلاش می‌کنیم با خوش‌بینی و رویکردی همدلانه با مسئولین تعامل کنیم و امیدواریم که مسئولین نیز پاسخی درخور به این همدلی بدهند و بدون سنگ‌اندازی‌ها و کارشکنی‌هایی که متأسفانه پیش از این گاه و بی‌گاه شاهدش بوده‌ایم به بهبود وضعیت دانشجویان و دانشکده کمک کنند.

همهٔ ما به خوبی می‌دانیم که فضای امروز دانشکده با فضای سالیان گذشته تفاوت‌های بسیاری دارد، امروز فرصت‌هایی پیش روی جنبش دانشجویی است که شورا به عنوان دانشجویی‌ترین نهاد میانجی – بواسطهٔ

حق رأی همهٔ دانشجویان در آن – خود را در بهره‌بردن از این فرصت‌ها برای تأمین خواسته‌های دانشجویان محق می‌داند. و انتظار داریم مسئولین نیز با وقوف به این تغییرات در فضای دانشگاه انعطاف بیشتری از خود نشان دهند تا این خوش‌بینی و همدلی در تعامل ادامه یابد.

در نسبت با سایر تشکل‌های دانشجویی، همهٔ تلاش ما ایجاد هماهنگی میان تشکل‌ها برای پیگیری مطالبات مختلف دانشجویان است. هرکجا که تشکل‌های دانشجویی در راستای پیگیری مطالبات بدنهٔ خود که بخشی از بدنهٔ دانشجویی هستند نیاز به حمایت شورای صنفی داشته باشد، شورای صنفی خود را موظف به حمایت از این تلاش‌ها می‌داند، نه از این رو که حمایت از تشکل‌های دانشجویی جزء وظایف شورا است، بلکه بدین واسطه که اعضا و بدنهٔ سایر تشکل‌ها نیز بخشی از بدنهٔ دانشجویی هستند و پیگیری مطالبات بدنهٔ دانشجویی طبیعتاً جزء وظایف شورا محسوب می‌شود.

در پایان امیدواریم روزهای پیش رو آستان رویدادهای مبارکی برای دانشجویان دانشکده و دانشگاه باشد و بتوانیم قدمی هرچند کوچک در راستای بهبود وضعیت اسفبار جنبش دانشجویی برداریم.

ادامه از صفحه ی اول

به چاپ رسید و پس از شروع به کار دومین دوره ی شورای صنفی دانشکده، اولین نشریه‌ی این شورا در مهر ۹۴ منتشر شد. «حانه سادات میرمحمد» سردبیری ویرگول را به عهده گرفت و تا پایان کار این دوره از شورا، ۴ شماره و یک ویژه‌نامه‌ی ورودی‌ها روی میز شورای صنفی قرار گرفت.

حال با شروع به کار سومین دوره‌ی شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی، بار دیگر فصلی جدید برای نشریه‌ی ویرگول آغاز شده است. نشریه‌ای که به همت دانشجو، از دانشجو و برای دانشجو می نویسد. در ادامه‌ی مسیر پرخیری که این نشریه از سال گذشته آغاز کرده است، ویرگول هم چنان و موکداً خود را موظف به انعکاس رخدادهای مرتبط با صنف دانشجو در دانشکده و دانشگاه می‌داند. چه آن‌هایی که توسط تریبون‌های مختلف دیده و به آن پرداخته می‌شود؛ و چه آن دسته رخدادهایی که تریبون‌ها با نادیده گرفتنشان، به سوی فراموشی و انکار هدایتشان می‌کنند.

چشم‌انداز ویرگول فضایی است که در آن، گفتگو و تبادل آراء در چشم همگان ارجح بر مشاجره و مخاصمه بیاید. فضایی که دانشجو در آن هوشیار و حساس به اتفاقات پیرامونش باشد و مطالبه‌گری را حق خود بداند. فضایی که در آن مسئولان پاسخ‌گویی را تکلیف خود بشمارند و مشتاقانه طالب شنیدن نظر و نقد دانشجو باشند و در هر تصمیمی که برای دانشجو و فضای زیست

۱-**اهداف:** - تعریف دانشجو به مثابه یک صنف - بازنگری در مفاهیم ذهنی صنف دانشجو - انتشار دیدگاه‌های دانشجویان در مورد مسائل دانشگاه، خاصه دانشکده - ایجاد راهی ارتباطی بین گروه‌های مختلف حاضر در دانشکده (دانشجویان، اساتید، کارمندان و هیئت رئیسه‌ی دانشکده) - انتشار اخبار و رویدادهای دانشکده - انتشار اخبار سایر دانشکده‌های دانشگاه تهران -اطلاع رسانی در خصوص عملکرد و دستاوردهای شورای صنفی دانشکده - نشر دیدگاه‌های انجمن صنفی در خصوص مسائل مختف - ارائه‌ی پیشنهادات و انتقادات به منظور ارتقای سطح علمی و رفاهی دانشکده - ایجاد ی پلی ارتباطی بین انجمن‌های علمی -**۲خط مشی:** ویرگول تنها نشریه‌ی شورای صنفی نیست، بلکه نشریه‌ی صنف دانشجویست. صنفی که امروز به دلایل و انگیزه‌های گوناگون چندپاره شده است. ویرگول می‌خواهد پایانی باشد بر خطوطی که دانشجویان را از ویرگول تأملی است برای درک و فهم هم جدا کرده است. و تار دانشکده و چه بسا دانشگاه پس آنچه پیداست، که نقاط تیره را از بین میبرد. درنگی است برای «همه» ی کسانی که در فضای دانشکده زیست می‌کنند. ویرگول معنای دیگری به پاراگراف می دهد. ویرگول نه‌تنها سکوت نیست، که خود صداست. صدایی که کمتر شنیده شده است.

-**۳میثاق نامه‌ی اخلاقی:** - ویرگول اولویت را به منافع «صنف دانشجو» می‌دهد و از جانبداری از گروه‌ها، جریان‌ها و افراد دوری می‌کند. - از جمله اهداف تشکیل این نشریه ایجاد گفتگو بین جریان‌ها

هرروزه ی این صنف در دانشکده اتخاذ می‌کنند، مصالح دانشجو را بر منافع شخصی و گروهی متقدم بشناسند. در این راستا، تلاش ما در این نشریه برای آگاهی‌بخشی و گردش اطلاعات به قوت ادامه خواهد داشت و مقصد این راه را مطلوبِ نه تنها صنف دانشجو، بلکه اساتید، کارمندان و مسئولان، دانشکده و کلیت دانشگاه می‌دانیم.

ویرگول در فصل جدید خود به سیاق سابق هم چنان انعکاس دهنده‌ی یادداشت‌ها، نقدها و تحلیل‌های دانشجویان خواهد بود؛ در بخش کاغذ اخبار وقایع و حواشی پیشین و آینده‌ی دانشکده را به صورت کوتاه مخابره می‌کند و در ستونی جدید، هر شماره به مسائل خوابگاه‌ها، که عموماً مغفول مانده، می‌پردازد. در این شماره غالب مطالب به معرفی سیاست‌ها و برنامه‌های گروه جدید شورای صنفی می پردازد و علاوه بر آن، اتفاقات و اعتراضات دانشجویان در هفته‌ی اخیر پوشش داده شده است. در پایان، مراننامه‌ی نشریه‌ی ویرگول، چاپ شده در اولین شماره مورخ مهر۱۳۹۳، جهت یادآوری و اعلام پایبندی به آن، منتشر می‌شود. این مراننامه به همت اولین سردبیر ویرگول، دوست و همکلاسی عزیزمان، «آرمیتا رضانی» تهیه شده است. تلاش‌های فراوان او در قوت گرفتن این نشریه، و یادداشت‌های روشنگرش، پشتوانه‌ی امروزِ نشریه‌ی ویرگول است.

مراننامه‌ی ویرگول

و گروه‌های مختلف دانشکده است. بنابراین سعی ویرگول برآن است تا جایی که مجال باشد، عقاید ودیدگاه‌های گوناگون را (به جز آنها که مغایر با قوانین مندرج در آیین نامه‌ی نشریات دانشجویی و همچنین اصول اخلاقی هستند) منتشر کند. - مطالبی که به قلم کسی جز اعضای اصلی هیئت تحریریه به چاپ می‌رسد، لزوما منعکس کننده‌ی دیدگاه رسمی شورای صنفی نمی‌باشد و فقط با هدف منعکس کردن دیدگاه افراد و گروه‌های مختلف منتشر می‌شود. - رعایت اصل بی‌طرفی، به معنای بی‌نظر بودن اعضای تحریریه‌ی ویرگول نیست اما این نشریه خود را ملزم به چاپ دیدگاه‌های مخالف می‌داند. - ایجاد هرگونه تغییر محتوایی در مطالب ارسالی دانشجویان، بدون اطلاع به آن‌ها، از سوی ویرگول ممنوع است، اما اصلاحات ویرایشی بلامانع است. - ویرگول مسئولیتی در برابر آنچه که اعضای تحریریه درجایی به جز این نشریه (سایر نشریات دانشجویی، صفحات اجتماعی و...) منتشر می‌کنند ندارد و این مطالب بازتاب دهنده‌ی رویکرد رسمی ویرگول نیست. - سعی بر آن است که با بررسی چندباره‌ی هر مطلب، از ارتکاب هرگونه اشتباه جلوگیری شود، اما خطاهای احتمالی در شماره‌های بعد اصلاح می‌گردد. - ویرگول از چاپ هرگونه مطلب که در آن از کلمات توهین‌آمیز استفاده شده و یا در آن به ادیان، مذاهب، قومیت‌ها و اشخاص حقوقی توهینی صورت گرفته، معذور است. - در صورت آوردن نام اشخاص حقیقی، نشریه درشماره‌های آتی می‌تواند دفاعیه‌ی فرد را چاپ کند.



و این بار، صنف «دانشجو»

گزارش اعتراضات صنفی دانشجویان دانشگاه تهران در یکسال اخیر

«**این گزارش با همکاری جمعی از فعالین صنفی دانشگاه تهران و با گردآوری، تنظیم و تلخیص «نسترن انوشا» تهیه شده است.**

تن از نمایندگان دانشجویان خوابگاه غدیر و جلال آل‌احمد با نماینده نهاد رهبری در دانشگاه تهران، آقای کلانتری، برای وساطت و جلوگیری از تخلیه خوابگاه غدیر صورت گرفت؛ چند خبرگزاری مطرح کشور از جمله خبرگزاری دانشجو، رجانبوز و تسنیم به مسئله تخلیه خوابگاه متأهلین غدیر ۲ توسط معاونت دانشجویی دانشگاه و مدیریت خوابگاه کوی دانشگاه پرداختند و حتی ریاست دانشگاه برای پاسخگویی در این زمینه، به مجلس فراخوانده شد. به‌رغم اینکه خبرها حاکی از عدم تخلیه این خوابگاه بود، در نهایت عملکردها به تخلیه آن در تابستان ۹۴ و تغییر کاربری‌اش به خوابگاه مجردی از مهر ۹۴ منجر شد. مشکل دیگر دانشجویان متأهل بحث ارزاق و امتناع دانشگاه از واگذاری آن به دانشجویان متأهل بود، البته این واگذاری در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ دو بار اتفاق افتاد اما پیش و بعد از آن دیگر هیچ اقدامی برای واگذاری صورت نگرفته است. از دیگر مشکلات دانشجویان خوابگاه‌های متأهلی می‌توان به مشکلات تأسیساتی ساختمان‌ها، کمبود امکانات ورزشی و خالی ماندن بعضی از واحدهای مسکونی این خوابگاه‌ها به‌رغم منتظر ماندن بسیاری از دانشجویان در صف خوابگاه متأهلین اشاره کرد که هنوز هیچ اقدامی برای واگذاری به دانشجویان متقاضی صورت نگرفته است.

۳) گزارشی به نقل از ایرنا ۱۳۹۳:

روز چهارشنبه ۱۶ مهر سال ۹۳، تجمعی اعتراضی از سوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران شکل گرفت. در این تجمع، شماری از دانشجویان با گردهمایی در پردیس مرکزی دانشگاه علوم پزشکی (پردیس پورسینا) و انتشار بیانیه‌ای، خواستار بازنگری مسئولان در تصمیم ادغام پردیس بین‌المللی کیش در دانشگاه مادر شدند. چرا که در ابتدا قرار بود در این شعبه‌ها دانشجویان بین المللی پذیرفته شوند تا مسیر درآمدزایی، افزایش رتبه علمی دانشگاه مادر و تبادلات علمی و دانشجویی با خارج هموارتر شود و کسانی که خواهان دریافت مدرک از این شعبه‌ها هستند با پرداخت هزینه‌های تعیین شده، موفق به تحصیل شوند. همچنین با توجه به بایسته‌های آموزش پزشکی، برنامه‌هایی برای تأسیس بیمارستان‌های آموزشی در مناطق آزاد تدوین شد که به دلایلی از جمله هزینه‌های بالا، این اهداف محقق نشد. همین موضوع، سبب شد دانشجویان پذیرفته شده در پردیس‌های بین‌المللی که همه، شهریه‌پردازان داخلی بودند، بجای تحصیل در شعبه‌های دانشگاه‌های مادر، در کنار سهمیه‌های

رایگان قرار گیرند و کلاس‌ها در پردیس مرکزی به صورت مختلط برگزار شود. نکته قابل تأمل اینکه ظرفیت‌های پیشین پذیرش دانشجوی سهمیه رایگان به شهریه‌پردازها واگذار شد. به همین دلیل شاهد بودیم در میان دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۳ به دانشگاه های علوم پزشکی، رتبه‌ی ۴۶ نتوانست به دانشگاه تهران راه یابد؛ این در حالی بود که رتبه‌ی ۱۶۰۰ منطقه ی سه یا ۱۰ هزار کشوری به صورت شهریه‌پرداز در زمره‌ی پذیرفته‌شدگان این دانشگاه قرار گرفتند.

به گفته دانشجویان منتقد، مسئولان دانشگاه یکی از دلایل تصمیم خود در زمینه‌ی جذب روزافزون دانشجویان شهریه‌پرداز را افزایش توان مالی دانشگاه برای تأمین نیازهای آموزشی و رفاهی و مهیا کردن تجهیزات وامکانات عنوان می‌کنند.اما این در حالی است که سرانه‌ی هزینه هر دانشجوی سهمیه رایگان برابر با شهریه‌ای است که دانشجویان شهریه‌پرداز پرداخت می‌کنند. به عبارتی همان شهریه پرداختی، (نزدیک به سالانه ۲۰ میلیون تومان)، هزینه‌ی خود شهریه‌پرداز شده و در این میان استعدادها و نخبگان کشور از ورود به دانشگاه‌های مطرح مادر بازمی‌مانند.

http://www.irna.ir/fa/News/۸۱۳۴۴۶۹۲:

۴) گزارشی به نقل از تعدادی از دانشجویان ساکن خوابگاه‌های سطح شهر:

آغاز ماجرای اعتراضی خرداد ۹۳ در خوابگاه‌های سطح شهر به عدم امنیت در خوابگاه قدس بازمی‌گشت. از آن‌جا که کولرها در راهرو قرار داشتند، ساکنین اتاق‌ها مجبور بودند در اتاق‌هایشان را باز بگذارند؛ تا اینکه لپ‌تاپ یکی از دانشجویان ربوده شد و این به جرقه‌ای برای اعتراض به مشکلات روی‌هم‌انباشته‌ی خوابگاه (نبود امکانات جانبی ضروری از جمله ماشین لباسشویی و جاروبرقی، کیفیت پایین غذا، سرعت کم اینترنت، قوانین سخت‌گیرانه و غیرضروری مهمان و...) تبدیل گشت. همان شب در محوطه‌ی خوابگاه در حدود صد نفر تجمع کردند؛ ابتدا رئیس حراست خوابگاه در محل تجمع برای پاسخ‌گویی حضور یافت، سپس با فشارهای دبیر شورای صنفی خوابگاه‌ها، آقای محمدی، و سایر دانشجویان، معاون دانشجویی در محل حضور می‌یابد. نتیجه آنکه امسال اتاق‌ها برای برخورداری از سیستم سرمایشی کانال‌کشی شدند. در خوابگاه ۱۶ آذر

هم نامه‌ای اعتراضی به مسائل صنفی خوابگاه نوشته و با جمع‌آوری امضا به شورای صنفی تحویل داده شد که همچنان در دست پیگیری می‌باشد. در خوابگاه «احمدی‌روشن» هم اوضاع اسفناک است؛ در اتاق‌های دونفره، سه نفر را اسکان داده‌اند؛ به گونه‌ای که نفر سوم تخت ندارد و دیگر در اتاق کوچک‌ترین جای خالی پیدا نمی‌شود. با این حال در پاسخ به اعتراض

دانشجوها، گفته شده «همین که یک سقف بالای سر دارید بروید خدا را شکر کنید»!

۵) گزارشی به نقل از یکی از دانشجویان شبانه کارشناسی ارشد ورودی ۹۴:

بعد از سپری‌شدن دو هفته از آغاز ترم پاییز سال تحصیلی ۹۴-۹۵ و دادن پاسخ‌های مبهم به دانشجویان شبانه و اسکان آن‌ها در مهمانسرای دانشگاه، دانشجویانی که هر روز برای دریافت پاسخ قطعی و روشن شدن وضعیت اسکان‌شان به دفتر سرپرستی خوابگاه‌های دختران (واقع در خوابگاه فاطمیه) و یا خوابگاه‌های پسران (واقع در کوی دانشگاه) می‌رفتند، تصمیم به تجمع اعتراضی گرفتند. آن‌ها که در حدود ۳۰ نفر بودند نزدیک به سه ساعت در مقابل گیت‌های ورودی خوابگاه روی زمین نشستند و خواستار دیدار با معاون دانشجویی شدند. در ادامه نامه‌ای اعتراضی خطاب به دکتر نیلی نوشته و امضا شد. مسئول حراست خواهران در جمع حضور یافت و با این توجیه که خواسته‌شان غیرقانونی است، قصد داشت آن‌ها را از ادامه تجمع منصرف گرداند. در این بین تعدادی از دانشجویان شبانه پسر هم به جمع اضافه شدند، اما مسئولان حراست آنها را بیرون کرده و با ایجاد فضای رعب، دختران نیز پراکنده شدند و با این امید که معاون دانشجویی در خوابگاه فاطمیه حضور یابد به آن‌جا رفتند. در دفتر سرپرست خوابگاه فاطمیه، خانم قریشی، این دیدار اتفاق افتاد. اما پس از یک ساعت گپ وگفت میان دانشجویان و مسئولان، پاسخ نهایی کمبود ظرفیت خوابگاه برای اسکان شبانه‌ها بود. با پیگیری‌های شورای صنفی خوابگاه‌ها مشخص شد هیچ راهی برای اسکان شبانه‌ها وجود ندارد و تنها در صورت احراز عدم توانایی مالی و شرایطی ویژه- که امسال نسبت به سال‌های گذشته بسیار سخت‌گیرانه‌تر اعمال می‌شوند- می‌توان برای اسکان پیگیری‌هایی به عمل آورد. با این اتفاق تعداد زیادی از دانشجویان شبانه چون فرزند ناخواسته‌ی دانشگاه از مجموعه خوابگاه‌های کوی به نحو ناخوشایندی رانده شدند. کسانی که حتی با رتبه‌های دو رقمی- که امکان پذیرش‌شان را به صورت روزانه در هر دانشگاه دولتی دیگری فراهم می‌نمود- به دلیل جایگاه رفیع دانشگاه تهران در سطح دانشگاه‌های ایران دست به این انتخاب زده بودند، مجبور به اسکان در خوابگاه‌های خودگردان و یا اجاره مسکن با هزینه شخصی شدند.

۶) دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی که برای برگزاری جلسه پرسش و پاسخ با محوریت مشکلات عدیده و شفاف سازی امور مالی دانشکده، به هیئت رئیسه‌ی دانشکده‌ی خود بارها و بارها درخواست مجوز داده اما موفق به برگزاری این جلسه نشده بودند، در تجمعی خودجوش جلوی درب اتاق ریاست این دانشکده (دکتر نوربخش) حاضر شده و خواستار حضور ایشان در جمع خود شدند. دکتر نوربخش به دلیل عدم حضور در دانشکده طی مکالمه تلفنی از دانشجویان خواست زمان دیگری را مشخص نموده و چند تن از نمایندگان خود را نزد ایشان بفرستند. دانشجویان این

پیشنهاد را نپذیرفته و از دکتر نوربخش خواستند همان روز در اولین فرصت در دانشکده و در جمع تمامی دانشجویان حضور یابند. طبق توافق صورت‌گرفته جمع صد نفره دانشجویان پس از یک ساعت تحصن اعتراضی، موفق به دیدار با رئیس دانشکده در تالار گفتگوی این دانشکده شدند. این دیدار که با حضور نیروهای حراست در بین دانشجویها صورت گرفت، به بیان گزیده‌ای از مشکلات دانشجویان که شامل فهرست بلندبالایی از مشکلات می‌شد و پاسخ‌های نه چندان درخور دکتر نوربخش گذشت. انتقاد اصلی اکثر دانشجویها به روال عدم حضور دکتر نوربخش در جمع ایشان و صحن عمومی دانشکده بود و در این جلسه موفق شدند وعده‌ی برگزاری جلسات ماهیانه عموم دانشجویان با هیئت رئیسه‌ی دانشکده را بگیرند. به‌رغم برگزاری یک جلسه از این سلسله جلسات هنوز رضایت دانشجویان از نحوه پاسخ‌گویی هیئت رئیسه‌ی دانشکده به مسائل صنفی و آموزشی و مالی کسب نشده است.

۷) همه‌ی اینها را بگذارید در کنار تجمعاتی که در خوابگاه کوی پسران و خوابگاه دخترانه چمران به دلیل مشکلات صنفی از بهمن ماه سال گذشته به وقوع پیوست و دانشجویان موفقیت چندانی در دستیابی به خواسته‌هایشان نداشتند.

و پس از تمام این فراز و فرودها و پیگیری‌های صنفی دانشجویان، که تنها بخشی از آن در ویرگول منعکس شد، به ۱۶ آذرماه ۱۳۹۴ رسیدیم و روز دانشجو. روزی که پس از چندین سال انحصار تشکل‌های سیاسی، این‌بار صحنه‌ی اعتراضات گسترده‌ی صنف دانشجویان شده بود.

در ادامه، گزارش وقایع این روز به قلم «**پدرام پذیره**» آمده است.

بعد از مدت‌ها «۱۶ آذر»

«اگه بازم خوابگاه گرون بشه من واقعاً ندارم». این یکی از اولین جملاتی بود که به محض ورودم به محل قرار تجمع شنیدم. قرار بر این بود که جمعی از دانشجویها برای مطالبات صنفی خود مقابل کتابخانه مرکزی جمع شوند و دهان به دهان این قرار در میان دانشجویان چرخیده بود. مقابل کتابخانه مرکزی حوالی ساعت دوازده و نیم چیزی حدود شصت الی هفتاد نفر جمع شده بودند و با نگاه به همدیگر منتظر بودند تا اولین پلاکارد با شعار «آموزش رایگان، حق مسلم ماست» بالا گرفته و سرود «یار دیستانی» هم‌خوانی شد. بعد از چند دقیقه جمعیت به بیش از صد نفر رسید و تعدادی پلاکارد با شعار «آموزش رایگان، حق مسلم ماست» بالا گرفتند و سرود «یار دیستانی» هم‌خوانی شد. بعد از چند دقیقه جمعیت به بیش از صد نفر رسید و تعدادی پلاکارد با مضامین مختلف بالا گرفته شد و بعد از هم‌خوانی سرود درحالی که جمعیت به بیش از دویست نفر رسیده بود، شعارها شروع شد:

«دانشگاه خصوصی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم»، «دانشگاه پول گردان، تضعیف زحمت‌کشان»، «در دانشگاه بیگاری، بعد از تحصیل بیکاری»، «سرویس‌مان شد غارت، با کارت بانک تجارت»، «ما تماشاگر نمی‌خوایم

به ما ملحق شوید».

بعد از چند دقیقه تصمیم به راهپیمایی به سمت دانشکده ادبیات وعلوم انسانی-که برنامه ۱۶ آذر انجمن اسلامی آنجا در حال برگزاری بود- گرفته شد. بعد از تجمع چند دقیقه‌ای مقابل دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و پس از اضافه شدن قسمتی از جمعیت، تصمیم گرفته شد که راهپیمایی ادامه یابد. راهپیمایان که لحظه به لحظه به جمعیت آنان اضافه می‌شد، به سمت دانشکده علوم‌پایه، دانشکده پزشکی و دانشکده فنی-که برنامه ۱۶ آذر بسیج آنجا در حال برگزاری بود- حرکت کردند. لازم به ذکر است که شعارها باعث اضافه شدن دانشجویان از تمامی دانشکده‌ها و حتی چند نفر از خدمه دانشگاه شد. بعد از تجمع مقابل دانشکده فنی تصمیم بر این شد تا دانشجویان، که تعداد آنان به بیش از هشتصد نفر رسیده بود، به سمت کتابخانه مرکزی بروند. در همین حال چیزی حدود ۵۰ نفر از حراست دانشگاه در چهارراه حقوق-مرکزی تجمع کردند و در واقع راه را برای رسیدن به کتابخانه بسته بودند. دانشجویان که از خواسته خود برای خواندن بیانیه کوتاه نمی‌آمدند با شعار «دانشگاه پادگان نیست» به سمت حراست آمدند. بعد از صحبتی کوتاه، مأموران حراست هم به خواندن بیانیه رضایت دادند.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این تجمع و راهپیمایی وجود داشت، وجود گروه‌های دانشجویان از نگرش‌های مختلف سیاسی و مذهبی بود. در واقع فاصله گرفتن از فضاهای نمایی تشکل‌های سیاسی، نشان‌دهنده این بود که اکثر دانشجویانی که جایی برای بیان مطالبات خود نداشتند، می‌توانستند بدون واسطه‌گری تشکل‌های انجمن اسلامی و بسیج، به بیان مطالبات خود بپردازند. در واقع این تجمع، بر اساس بیانیه قرائت شده، اعلام برائت دانشجویان از تشکل‌های سیاسی بود و درخواست بازگشایی شورای صنفی مرکزی دانشگاه به عنوان مهم‌ترین خواسته مطرح شد.

یکی دیگر از مسائل این تجمع، اتمام آن بود. هنگامی که بیانیه خوانده شد و بعد از صحبت دو نفر دیگر از دانشجویان، تجمع تمام شد. بسیاری از دانشجویان از بدون مشکل تمام شدن تجمع تعجب کردند. در واقع یکی از تجارب این تجمع این بود که دانشجویان فهمیدند لزوماً حضور در هر تجمع، به دادن هزینه پایان نمی‌یابد و می‌توان مطالبات خود را مطرح کرد ولی هزینه نداد. در واقع این تجمع راه را برای دیگر تجمعات صنفی باز کرد و نشان داد که بدنه دانشجویی نیز قبل از هر چیز به دنبال حل مشکلات صنفی خود است.

و البته این تجمع، پیامی واضح نیز به مسئولان دانشگاه فرستاد. دانشجویان به صراحت اعلام کردند که ادامه روند خصوصی‌سازی و برون‌سپاری به شرکت‌های پیمان‌کاری را بر نمی‌تابند و در مقابل آن خواهند ایستاد. دانشجویانی که توانسته‌اند تا حدودی با یکدیگر همسو شوند، با این قدرت‌نمایی نشان دادند که اگر مطالباتشان مثل همیشه فراموش شود، دیگر سکوت نخواهند کرد.

بیانیه اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

قرائت شده در راهپیمایی اعتراضات صنفی روز دانشجو ۱۳۹۴

دانشجو هستیم

درحالی که این کار جز فشار مضاعف اقتصادی و سلب امکانات از دانشجو تاکنون پیامد دیگری نداشته است. ما همچون کارگران که بیرون از دانشگاه از بنیادی ترین حقوق خود یعنی بهداشت، آموزش و مسکن همگانی محروم شده‌اند، در درون دانشگاه از ستم مضاعفی رنج می‌بریم. هرگز تاب نمی‌آوریم که امروز از محل مالیات مردم، کیف پول الکترونیک بانک فخیمه تجارت شارژ شود و فردا از جیب ما دانشجویان.

نه از اعضای تشکلهای وابسته به گروه‌های سیاسی خارج از دانشگاه، نه از انجمن اسلامی و نه از بسیج، تشکلهایی که به جای خواسته‌های ما، منافع و مطالبات اربابان خود را دنبال می‌کنند؛ و نه از نورچشمی‌های مسئولان و مدیرانی هستیم که دانشگاه را با بازار خریدوفروش دانشجو اشتباه گرفته‌اند.

ما هشدار می‌دهیم انحلال و سرکوب نهادهای مستقل دانشجویی همچون شورای صنفی مرکزی که تلاش‌ها برای احیای آن تا امروز به بن‌بست رسیده است، نتایج نامطلوبی دارد. رشد تشکلهای قدرت‌ساخته که هیچ ارتباطی با بدنه دانشجویی و مشکلات آن‌ها ندارند یکی از آن نتایج نامطلوب است. دخیل نبودن دانشجویان در روند برنامه‌ریزی‌های کلان دانشگاه و عدم نظارت آنان بر طرح‌هایی که سرنوشت آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، پیامد دردناک این رفتار دانشجویستیز است.

ورود نهادهای نظامی، سیاسی و امنیتی به درون دانشگاه‌ها و ایجاد مؤسسات و دانشکده‌های موازی در ساختار دانشگاه استقلال این نهاد را خدشه‌دار می‌کند؛ این مؤسسات و دانشکده‌ها در بسیاری از دانشگاه‌های کشور نفوذ پیدا کرده‌اند که نمونه بارز آن در دانشگاه تهران، دانشکده‌های علوم و فنون نوین، کارآفرینی و مطالعات جهان هستند. سکوت و دادن باج‌های کلان از طرف مدیران دانشگاه که در واقع هم‌دست و جاده صاف کن این گروه‌ها هستند به این روند شتاب بیشتری داده است و نتیجه آن جز تبدیل دانشگاه به بازوی این نهادها و گروه‌های سیاسی و نظامی نخواهد بود.

ما خواهان آن هستیم که شکل‌گیری و تصویب آیین‌نامه تشکلهای دانشجویی باید با حضور و هم‌فکری مستقیم دانشجویان باشد نه اینکه این آیین‌نامه‌ها در اتاق‌های دربسته و بدون مشورت دانشجویان نوشته و تصویب شوند.

آنچه ما را واداشت که صریح و بی‌پرده، مردم و افکار عمومی را خطاب قرار دهیم، دردها و مصائبی است که بی‌امان بر سر ما آوار کرده‌اند و هربار در جواب حق‌طلبی ما، یا تهدید کرده‌اند یا وعده داده‌اند. اکنون این خلف وعده‌ها و تهدیدها ما را به ستوه آورده است. این چنین است که به نزد شما به دادخواهی آمده‌ایم.

ما هشدار می‌دهیم واگذاری امکانات و اموال دانشگاه نظیر تأسیسات، اینترنت، فضای سبز، سالن‌های ورزشی و سرویس‌های ایاب و ذهاب به پیمانکاران معلوم‌الحال در راستای کالایی‌کردن آموزش است و دست‌اندرکاران این خیانت بزرگ که عنوان مسئول و مدیر را دارند با نوع مدیریت‌شان دسترسی به حداقل‌های زندگی را برای ما محدود می‌کنند.

به واقع؛ پیامدها و مراتب این وضعیت وخیم‌تر از آن است که صاحب‌نظران تصور می‌کنند. ما از درون دانشگاهی با شما سخن می‌گوییم که اکنون تبدیل به یک بنگاه تجاری شده است. تمام امکانات دانشگاه که می‌بایست به صورت برابر در اختیار همگان باشد، به بهانه‌هایی همچون افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها، مشمول خصوصی‌سازی افسارگسیخته و کالایی‌شدن شده است.

ما هشدار می‌دهیم راه‌اندازی و گسترش پردیس‌های بین‌الملل که در حال تسخیر فضای آموزش عالی کشور و دانشگاه‌های دولتی است، نتیجه‌ای جز تبدیل دانشگاه به بازار آزاد خرید و

اینترنت، آب گرم، فضای بدون محدودیت برای استراحت و ده‌ها مورد ریز و درشت دیگر محروم هستند.

ما هشدار می‌دهیم محدود کردن فعالیت‌های فرهنگی و کارشکنی پی‌درپی در فعالیت این کانون‌ها نتیجه‌ای جز زدن آخرین تیر بر جسم نحیف فرهنگ و هنر ندارد. عدم ایجاد امکانات مناسب برای امور فرهنگی و هنری و حتی استفاده نکردن از امکانات موجود و بهانه‌تراشی‌های متعدد در دادن مجوز برای برنامه‌های فرهنگی، از دردهای بی‌شمار این بخش از زندگی دانشجویان است.

ما هشدار می‌دهیم وضعیت اسفباری که دانشجویان معلول و نابینا در آن به سر می‌برند باعث انزوای هرچه بیشتر این عزیزان خواهد شد. تخصیص کمترین امکانات آموزشی و رفاهی و عدم حمایت و دستگیری از طرف مسئولین، نتیجه‌ای جز محرومیت مضاعف و آسیب‌پذیری تحصیلی و اجتماعی بیشتر این قشر نخواهد داشت.

ما هشدار می‌دهیم محدودیت‌هایی که بر دانشجویان متأهل تحمیل می‌شود، پیامدهای اجتماعی ناگواری دارد. امکانات اسفبار خوابگاهی، کاهش ظرفیت خوابگاه‌های متاهلی، اخذ هزینه‌های گزاف برای تعمیرات خوابگاه از دانشجویان و انواع و اقسام تبعیض‌ها که بر این دانشجویان روا داشته می‌شود، نتیجه‌ای جز تزلزل روابط خانوادگی و افزایش نرخ طلاق در بین دانشجویان نخواهد داشت.

این رویه خلاف شعارهای همیشگی مسئولان در مورد تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده است و متأسفانه خود مانعی در برابر آن می‌باشد.

ما دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران؛ خواهان پاسخگویی صریح شخص رئیس دانشگاه، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزیر آموزش و پرورش در مورد مسائل فوق هستیم و تا حل کامل تمامی مسائل دست از مطالبات به حقمان نخواهیم کشید.

«دانشگاه ملک شخصی کسی نیست و باید برای همگان باقی بماند».

دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

فروش مدارک دانشگاهی ندارد. این روند باعث افزایش مدرک‌دراهای بی‌تخصص می‌شود که اکثر آن‌ها از طبقات بالای جامعه و احتمالاً آفازاده‌های آینده کشور هستند.

ما هشدار می‌دهیم این صحنه‌آرایی خطرناک و روابط غیرشفاف بین مدیران باعث تضییع حقوق مردم و تاراج بیت‌المال می‌شود. نمود این روابط را می‌توان در تخلفات مالی گسترده‌ای دید که یکی از موارد آن هزینه‌های خلاف قانون و آیین‌نامه صندوق رفاه است که از دانشجویان دریافت شده است. مورد دیگر آن زمین‌خواری‌های بزرگ از کوی دانشگاه به نفع پردیس دانشکده‌های فنی است. این روند نتیجه‌ای جز نابودی و تصرف هست و نیست دانشگاه و خوابگاه و ایجاد جو بی‌اعتمادی وسیع علیه مدیران و مسئولان دانشگاه ندارد.

ما هشدار می‌دهیم بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که با توجیهات و دلایل غیرکارشناسی مسئولین وزارت علوم در حال انجام است پیامدهای ناگواری دارد. این دلایل که نه، این بهانه‌ها همچون افت تحصیلی دانشجویان خوابگاهی و جلوگیری از مهاجرت‌های درون کشوری درواقع چیزی نیست جز شانه خالی کردن دولت از انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود و باعث ایجاد شکاف عمیق بین شهرستان‌ها و مرکز می‌شود.

ما هشدار می‌دهیم امنیتی‌کردن فضای دانشگاه و برخوردهای شدید با فعالان دانشجویی باعث ایجاد سرخوردگی و ناامیدی در بین دانشجویان و خانواده‌های آنان می‌شود. این سرخوردگی و ناامیدی و تضعیف نهادهای دانشجویی توسط کمیته انضباطی منجر به حذف شدن صدای دانشجو خواهد شد. آیا کمیته انضباطی در کنار احضار و تهدید دانشجویان و خانواده‌هایشان نسبت به برخوردهای فیزیکی یکی از اساتید دانشکده ادبیات و معاونت اداری مالی کوی دانشگاه با دانشجویان، عکس‌العملی داشته است؟

ما هشدار می‌دهیم تبعیض مضاعف بر زنان و دختران دانشگاه باعث سرخوردگی و ایجاد شکاف جنسیتی می‌شود. این تبعیض شامل محدود کردن بی‌منطق ساعت‌های رفت‌وآمد، فشارهای مضاعف حراست و کمیته انضباطی، محدودیت‌های اجتماعی و کنترل شدید آزادی‌های فردی و حتی موارد بدیهی مثل، امکانات رفاهی ضعیف‌تر نسبت به دانشجویان پسر می‌شود. دختران خوابگاهی از امکاناتی همچون